



بدون شرح: پرونده فساد اقتصادی در ۶۹ سال قبل: نخستین محاکمه اتباع خارجی در ایران

حقوق :: نشریه قضاوت :: خرداد ۱۳۸۱ - شماره ۵

صفحات : از ۱۰ تا ۱۱

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/937396>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۳/۱۱/۱۷

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- جهانی شدن و چالش مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران
- الگوی مدیریت بحران سیاسی در سیره امام خمینی (ره)
- نگاهی نو به حق و تکلیف از دریچه نهج البلاغه
- اعجاز فیزیکی قرآن
- حق و تکلیف
- قرارداد انتقال طلب
- یک کلمه، قانون نه
- «شکایت ثالث از عملیات اجرایی» در مقایسه با «اعتراض ثالث به رأی»
- مدخلی بر خدمات عمومی الکترونیک در نظام حقوقی ایران
- تقسیم خسارت میان مسؤولان متعدد در مسؤولیت قهری
- بررسی استقلال نهاد آمبودزمان با نگاه تطبیقی
- مفهوم و مبانی اصل آزادی تحصیل و ارزیابی دلیل در دادرسی کیفری

عناوین مشابه

- بدون شرح: سیاست وکیل مانع اعمال نفوذ حکومت در پرونده شد
- بررسی مواضع روسیه در قبال سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از سال ۸۴ تا ۹۴ با تأکید بر پرونده هسته ای ایران
- نمایشگاه هانور در سال گذشته ۴۴۴۹ موسسه آلمانی و ۱۳۶۸ کمپانی خارجی سال قبل در نمایشگاه هانور شرکت کردند
- بدون شرح: بخشی از محاکمه احمد نفیسی شهردار تهران (دهه ۴۰) توصیه شد در شهرداری را قفل بزنم
- تراز بازرگانی خارجی در سال قبل بهبود قابل توجهی یافت
- ۱۵۰۰ صفحه در شرح پرونده محاکمه روزنامه نوروژ
- اطلاعات آماری: در هشت ماه سال ۱۳۸۳ نسبت به مدت مشابه سال قبل ترانزیت خارجی کشور ۴/۴۵ درصد رشد یافت
- مقایسه عملکرد تجارت خارجی خراسان رضوی در سال های ۹۴ و ۹۵
- پرونده فیلم من ترانه ۱۵ سال دارم در ستایش غرور، عزت نفس و ... سینما!
- از منابع خارجی: توسعه صنایع پتروشیمی در سال ۱۹۶۴ جمع تولید صنایع پتروشیمی کشورهای عضو اتحادیه تجارت آزاد به ظرفیت ۴ / ۵ میلیون تن خواهد رسید



جعفر جوان
(قاضی عالی رتبه)
در یکی از محاکمات
جنجالی مرداد
۱۳۱۲ (ش)

پرونده فساد اقتصادی در ۶۹ سال قبل

نخستین محاکمه اتباع خارجی در ایران

به شاه گفته است اگر در آینده اعلیحضرت از مقابل زندان عبور کردند و مرد موسیپی را دیدند که شبیه به من بود و با قیافه ای غمگین از پشت میله ها به پائین نگاه می کرد بدانند و آگاه باشند که این بلا دوائر خدمت به اعلیحضرت بر من نازل شده است. شاه در جواب گفته است: «خیالت راحت باشد و برو دنبال کارت را بگیر.» در ضمن بازرسی، او به معاملات مختلفی برخورد کرده که طبق اساسنامه، بانک نمی بایست در آنها دخالت کرده باشد. مثلاً در بعضی از موارد، اعتباراتی بدون محل یا در برابر وثیقه های بی ارزش داده شده است. او نمی خواهد پای آلمانیها را در این ماجرا وارد کند ولی می خواهد مسئولین و مقصرین واقعی را پیدا کند. لئیندنبالات مرتکب این خطای فاحش شده بود که به وزیر دربار متکی شده بود.

هنگامی که من در مورد اتفاقاتی که در بانک روی داده با لئیندنبالات صحبت کردم گفت ایرادهائی که به مدیریت بانک گرفته اند همه بنی اسرائیلی است. این همه چیزی نیست جز توطئه ای بزرگ که ضد او و وزیر دربار چیده اند. او به آن اندازه مشرق زمین را نمی شناسد که بدانند این قبیل توطئه ها در آنجا از لوازم کسب و کار روزانه محسوب می شود، و هر کس که سرش به تنش بیرزد در معرض آنها قرار می گیرد.

لئیندنبالات حالتی خسته و عصبانی داشت و روزی به من گفت که طبیب معالجتش اصرار دارد که

توجه ها را به خود جلب کرد و در بازار نقل محافل شد. چیزی نگذشت که در گوشه و کنار سروصداهایی به گوش رسید. این شایعات هیأت مدیره آلمانی بانک را مورد ملامت قرار می داد و ادعا می شد که بانک، اعتبارات بی محلی داده و در معاملات فرش و تریاک دچار زیان هنگفتی شده است و برای این که کسر صندوقی را که از این رهگذر ایجاد شده از نظر پنهان سازد در آخرین ییلان بانک مدیران دست پرده، آن را به صورتی مطلوب تر نشان داده اند.

من چندبار با آقای نواب درباره جنجالی که بازرسی های او ایجاد کرده بود صحبت کردم و از عواقب نامساعدی که این کار برای حیثیت بانک داشت مجملی گفتم. آقای نواب کلاً در این مورد از خود تفاهم نشان می داد، اما این نکته را نیز یادآور می شد که شخص شاه دستور بازرسی را به او داده است و بنابراین او ناچار است با تمام نیروئی که در اختیار دارد این کار را به انجام برساند. دیگر این که لئیندنبالات، مدیر بانک مردی است خودرأی و مستبد و تاکنون اصولاً به شورای نظارت اعتنائی نداشته است؛ شورای نظارت هم نباید اجازه دهد آن را نادیده بگیرند. رابطه صحیح بین هیأت مدیره و شورای نظارت را باید دوباره برقرار کرد و عمل بازرسی، آغاز این کار به شمار می رود.

می گفت: می داند که با اقداماتش برای خود دشمن می تراشد و به همین دلیل در آخرین شرفیابی

پس از لغو کاپیتولاسیون اولین محاکمه اتباع خارجی در ایران در سال ۱۳۱۲ صورت گرفت. این محاکمه مربوط به دکتر کورت لئیندنبالات آلمانی مدیرکل بانک ملی و عده ای از همکاران وی که به علت اختلاس و تنظیم ییلان جمعی از کار برکنار شده و تحت تعقیب قرار گرفته بودند.

در مرداد ماه ۱۳۱۲ دادگاه جنائی تهران محاکمه را آغاز کرد دکتر لئیندنبالات یک وکیل آلمانی و دو وکیل ایرانی انتخاب کرد. وکلای ایرانی وی عبارت بودند از دکتر آقایان و مظفر فیروز.

سرانجام دادگاه جنائی ایران رأی خود را صادر کرد و لئیندنبالات به ۱۸ ماه زندان و پرداخت ۶۰ هزار تومان غرامت محکوم شد.

این محاکمه در مطبوعات اروپائی به تفصیل انتشار یافت و پس از صدور حکم، جراند آلمان از دادگستری ایران تجلیل به عمل آوردند و از اینکه در ایران عدالت به معنای واقعی وجود دارد اظهار قدردانی کردند و داور وزیر عدلیه را مورد توجه قرار دادند. بلوشر، وزیر مختار آلمان در ایران با کمال بی طرفی داستان محاکمه و اعمال لئیندنبالات را تحت عنوان رسوائی کار بانک در خاطرات خود ثبت کرده است. بیجاست که قسمتی از این خاطرات را ذیلاً نقل کنیم.

رسوائی کار بانک

بازرسی هائی که از طرف رئیس ناظر بانک، نواب، در کار بانک ملی ایران به عمل آمد سخت

بدهد. پس لابد فکر کرده بود که او راه زندان خواهد انداخت و به این نتیجه رسیده بود که بهتر است فرار را بر قرار اختیار کند.

واقعۀ را به وزارت امور خارجه تلگراف کردم و خواستم که از لیبندنبلات توضیح بخواهند و مرا در جریان بگذارند تا بتوانم درباره این حساب‌ها به ایرانیان توضیح لازم را بدهم. چون در این لحظه کار و شغل هفتاد تن آلمانی در بانک ملی در معرض خطر قرار گرفته بود و از آن گذشته وضع و حیثیت همه آلمانی‌ها در ایران در خطر جدی قرار داشت، خواستم که لیبندنبلات فوراً مراجعت کند و به ایرادهایی که از هیأت مدیره بانک می‌گرفتند شخصاً پاسخ گوید.

در این گیرودار دولت ایران از دولت سوریه تقاضای استرداد فولگر را کرد؛ اما فولگر پیشدستی کرد و خود را در حومه بیرون شهر به دار آویخت.

مدتی طول کشید تا لیبندنبلات همراه وکیل برلینی خود به تهران آمد و در برابر کمیسیون بازرسی ایران حاضر شد. اما چون در وضعی نبود که بتواند از خود دفاع کند این موضوع به دادستانی ارجاع شد. کار به محاکمه جزایی کشید و لیبندنبلات در محاکمه علنی به هجده ماه زندان و جریمه نقدی به مبلغ هفت هزار لیره ارز به اضافه ۴۶ هزار ریال، محکوم گردید.

هرچند برای یک نفر اروپایی بسر بردن در زندان ایران وهن آور بود، ولی مخفی نمی‌توان کرد که جریان این محاکمه معهدا انسانی و عادلانه بود. این مطلب از جنبه‌های خنده آور و مضحک نیز خالی نبود. لیبندنبلات توانست با رشوه دادن به مأموران زندان برای خود انواع و اقسام تسهیلات دست و پا کند و حتی چندین بار چند ساعتی از زندان خارج شد. این ساخت و ساخت‌ها هنگامی به حد اعلای خود رسید که یکی از زندانیان لیبندنبلات را با مرد اسرارآمیزی آشنا کرد که اعلام داشت حاضر است برای لیبندنبلات مبلغ یکصد هزار تومان تضمین بدهد و اطمینان داد که او می‌تواند پس از این اقدام بقیه مدت محکومیت خود را در یکی از ولایات ایران بگذراند.

مخارج این «اقدامات» به دو هزار تومان بالغ می‌شد. این مبلغ از طرف لیبندنبلات درست بر طبق قرارداد تأدیۀ شد اما طرف او از همان لحظه دیگر غیبت زد. بدین ترتیب یک کلاهبردار ایرانی انتقام خود را از مدیر سابق بانک ملی گرفت و بار دیگر داستان فریبکار فریب خورده تجدید شد و مصداق پیدا کرد.

این ماجرا هنگامی که در سال ۱۹۳۴ (۱۳۱۳ ه. ش) بین بانک ملی و لیبندنبلات کار به مصالحه انجامید، پایان گرفت. طبق این مصالحه قرار شد لیبندنبلات ۶۳ هزار تومان به بانک ملی بپردازد و در عوض بانک ملی از طرح هر ادعای دیگری نسبت به مدیر پیشین بانک چشم‌پوشد.

متعلق به یک دندانپزشک آلمانی بوده که ویزای بغداد داشته و تک و تنها در اتومبیل بوده است. اما این اتومبیل یک صندلی هم در عقب داشته که می‌شده در آن را بست و باز کرد. فولگر در آنجا نشسته و از سرپوش صندلی عقب به نحوی ابتکاری استفاده کرده است. هر وقت از قرارگاه پلیس می‌گذشته‌اند یا خطری آنها را تهدید می‌کرده فولگر در داخل سوراخ از دیده پنهان می‌شده و هر وقت اوضاع مساعد بوده از آن بیرون می‌آمده است. شاید وی در این کار از یک اسباب بازی سمرشق گرفته که هرگاه آن را باز کنند شیطانکی از داخل آن بیرون می‌پرد و هر وقت

**بلوشر وزیر مختار آلمان
در ایران با کمال بی طرفی
در خاطرات خود
عنوان نموده است که
هر چند برای یک نفر
اروپایی به سر بردن در
زندان ایران وهن آور بود
ولی مخفی نمی‌توان کرد
که جریان این محاکمه
انسانی و عادلانه بود**

آن را ببندند از نظر پنهان می‌شود. به هر حال فولگر به این صورت، بدون آنکه مجسش گیر بیفتند راه طولانی تهران تا قصر شیرین را پشت سر گذارد و صحیح و سالم از مرز ایران و عراق عبور کرد. در بغداد توقف کوتاهی داشت و آنگاه سفر را به بیروت ادامه داد.

علت این فرار جنجالی چه بود؟ نواب به هنگام بازرسی خود در دبیرخانه «الف» به حساب اسرارآمیزی برخورد کرده بود که از آن مبلغ معتابهی به حسابهای باز شده نزد بانک‌های اروپایی حواله شده بود. از فولگر در مورد این حواله‌ها بازجویی کرده بودند و او نتوانسته بود جواب‌های قانع‌کننده‌ای

او برای استراحت مسافرتی بکند. از او مخفی نکردم که موقع برای چنین کاری هیچ مناسب نیست، اما وی گفت که وزیر دربار با این مرخصی موافقت کرده است. از طرف دیگر قائم مقام بانک فولگر نیز به تمام جزئیات امور وارد است و جانشین موقت او خواهد بود. در اواخر ماه مه یا اوایل ژوئن ۱۹۳۲ (۱۳۱۱ ه. ش) وی عملاً مرخصی خود را شروع کرد و به آلمان رفت. هنوز لیبندنبلات پای خود را از مملکت بیرون نگذاشته بود که شاه با روسی رویس بزرگ خود شخصاً به بانک رفت. راننده سهواً در برابر در دیگری، سوای در ورودی اصلی، توقف کرد و بلافاصله از دست سنگین همایونی، از داخل اتومبیل، سیلی جانانه‌ای نوش جان کرد. پس از آنکه اشتباه اصلاح شد، شاه پائین آمد و بلافاصله به محل حفظ و نگاهداری ذخائر بانک رفت و خواست با نمونه‌گیری که زیر نظر دقیق خودش انجام می‌گرفت، از صحت میزان طلا و نقره ذخیره بانک مطمئن شود.

بلافاصله پس از این واقعه فولگر نزد من آمد و در حالی که برق شادی از چشمانش می‌جست برایم تعریف کرد که کار بازرسی به خوبی و به دلخواه در جریان است. بعد به گفته خود افزود که فقط در مورد دو معامله می‌توان به بانک ایراد گرفت و گفت که بهتر بود بانک به آن دست نمی‌زد. یکی مربوط شد به معامله «گریگوریان» که در آن سهام قدیمی را قبول کرده‌اند و دیگر، دادن اعتبار به تاجری بزرگ در جنوب ایران، و این دو کار باعث شده که به صورت موقت بر بنیه مالی بانک فشار وارد آید.

نواب همچنان روز به روز به کار بازرسی خود ادامه می‌داد، حتی در برابر دبیرخانه «الف» هم که زیر نظر مستقیم در مدیر اداره می‌شد و ظاهراً کارهای مربوط به اعلیحضرت در آنجا انجام می‌گرفت، درنگ جایز ندانست.

در صبح زود یکی از یکشنبه‌های زیبای ماه پائیز هنگامی که اسبهای من زین شده و حاضر و آماده در برابر خانه منتظر بودند، سومین مدیر بانک به نام آقای سیمون برای کاری فوری از من وقت ملاقات خواست و با هیجان بسیار گفت: «فولگر از دیروز گم شده است و هیچ اثری از او در دست نیست. ظاهراً فرار کرده، اما کسی نمی‌داند چگونگی و به کجا؟»

اگر این خیر صحت می‌داشت دیگر می‌بایست پی‌نیریم که دچار حادثه نامطلوبی با عواقب دشوار شده‌ایم و در این صورت موضوع بانک ناگهان صورت دیگر پیدا می‌کرد.

آیتم هفت خط و مکار که بوئی از مطلب برده بود بلافاصله دستور داد معلوم کنند چه اتومبیل‌هایی از شهر خارج شده است، در نتیجه معلوم شد که بین اتومبیل‌ها یک اتومبیل نیز

